

آیا در زبان‌شناسی «انقلاب چامسکی» صورت گرفته است؟*

نوشته: فردريك ج. نیومیر
ترجمه: نسرین طباطبایی

در حالی که زمانی اشاره به «انقلاب چامسکی» در زبان‌شناسی بحث‌انگیز نبود، اخیراً عده‌ای از تحلیل‌گران این موضوع را که نظریهٔ زایشی حقیقتاً نشان‌دهندهٔ يك حرکت انقلابی نسبت به شیوه‌های قبلی است، مورد پرسش قرار داده‌اند. مقالهٔ حاضر مدافع این نظر است که انقلاب چامسکی واقعاً رخ داده است. انقلابی که با انتشار ساختهای نحوی (۱۹۵۷) آغاز شد و هم از لحاظ فکری بر مطالعهٔ زبان، و هم از نظر اجتماعی بر رشتهٔ زبان‌شناسی اثرهای عمیقی به جای گذاشته است. ولی شگفت‌آور است که موفقیت انقلابی دستوریان زایشی به دستیابی آنان به قدرت اداری در این رشته منتهی نشده است. این واقعیتی است که به طور مستند توضیح

* Frederick J. Newmeyer. 1986. "Has There Been a 'chomskyan Revolution' in Linguistics?" *Language*, vol 62, No. 1, pp. 1-18.

داده شده است.^۱

۱. زمانی اشاره به «انقلاب چامسکی» در زبانشناسی بحث‌انگیز نبود. مفسران بدیهی می‌پنداشتند که انتشار ساختهای نحوی اثر نوام چامسکی در سال ۱۹۵۷، نویدبخش انقلابی فکری و اجتماعی در این رشته بوده باشد. انقلابی که با کارهای چامسکی و همکارانش در دههٔ بعد عمق بیشتری یافت. اصطلاح «انقلاب چامسکی» در عنوان مقاله‌ها (سیرل^۲، ۱۹۷۲) و فصول کتابها (نیومیر، ۱۹۸۰) ظاهر شده است، و یک تاریخ‌نویس علم زبانشناسی نوشته است که کار چامسکی «با معیارهای دوگانه [توماس] کون^۳ [فیلسوف] برای الگویی [در علم] کاملاً مطابقت می‌کند» (کرنر^۴، ۱۹۷۶: ۷۰۹). حتی مخالفان حرفه‌ای چامسکی ماهیت انقلابی تأثیر وی را بر زبانشناسی تصدیق کرده‌اند. ج. سمپسون^۵ با آنکه مدعی است (۱۹۸۰: ۱۶۳) «استیلاي مکتب چامسکی برای رشتهٔ زبانشناسی تحولی بسیار اسف‌انگیز بوده است»، چنین می‌نویسد (۱۳۰): «عموماً گفته می‌شود که چامسکی در زبانشناسی «انقلابی» ایجاد کرده است و این استعارهٔ سیاسی به‌جا است». ر. لنگکر^۶، که رویکرد او نسبت به دستور، کاملاً با چامسکی متفاوت است، می‌نویسد (۱۹۷۹: ۲۴۷) «وی این رشته را کاملاً تکان داده است»، و جوهر انقلاب چامسکی (اصطلاحی که بدون علامت نقل قول به کار می‌برد) را تعهد آن نسبت به ساختمان یک نظریهٔ زبانی تبیینی شناخته است. ولی این عقیده که رشتهٔ زبانشناسی اصولاً دستخوش «انقلاب چامسکی» گردیده در سالهای اخیر به چالش خوانده شده و ظاهراً این چالشها رو به افزایش است. کرنر اکنون در موضع‌گیری گذشتهٔ خود تجدید نظر کرده و معتقد است (۱۹۸۳: ۱۵۲) که «با بررسی دقیقتر، درمی‌یابیم که اصطلاح «انقلاب» کاملاً در مورد دستور گشتاری-زایشی (TGG) صدق نمی‌کند». س. موری^۷، جامعه‌شناسی که تخصص حرفه‌ای او بررسی گروه‌بندیها و شبکه‌های غیررسمی در رشتهٔ زبانشناسی است (نگاه کنید به موری، ۱۹۸۳)، می‌نویسد که «چامسکی با [ساختهای نحوی] انقلاب نکرد» (۱۹۸۰: ۸۱)؛ بلکه وی و همکارانش در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ یک «کودتا» را طراحی کردند (۸۲). در این مورد موری عقیده

ر. آنتیلا^۸ را تکرار می‌کند که همراه با «تعداد روبه افزایشی از زبانشناسان دریافته [است] که این به قول معروف انقلاب زبانشناسی يك کودتای اجتماعی بوده است» (۱۹۷۵: ۱۷۱)؛ و نیز نظرب. گری^۹ را بازگو می‌نماید که انقلاب چامسکی در میان نمی‌بیند بلکه تنها وضعیت را می‌بیند که در آن «همان‌طور که همگان اذعان دارند، گشتاریان موفق به تصرف ارگانهای قدرت شده‌اند» (۱۹۷۶: ۴۹). آنان که استیلای زایشیان را اندکی مهمتر از يك قدرت رُبائی موفقیت‌آمیز می‌یابند، مایلند که دستور زایشی را طبق معمول يك جریان پس از بلومفیلدی محسوب دارند. چنان که کرنر مطرح می‌کند (۱۹۸۳: ۱۵۲)، «دستور گشتاری-زایشی اساساً ساختگرائی پس از سوسوری است که مشخصه آن توجه بیش از حد به «زبان» . . . در مقابل «گفتار» است. . . .» دیگران معتقدند که نظریه چامسکی نمودار يك فاصله‌گیری اساسی از نظریه‌های پیش از آن است، ولی این جدایی با انتشار ساختهای نحوی رخ نداده، بلکه تصور می‌رود که چامسکی در اوایل سالهای ۱۹۶۰، یعنی هنگامی که وی و همکارانش مبارزه باواچ مستقل^{۱۰} را آغاز کردند (در این مورد نگاه کنید به هیل^{۱۱}، ۱۹۸۰: ۷۵)، یا در سالهای میانی آن دهه که او صریحاً آغاز به پذیرفتن يك شالوده فلسفی «خردگرا» برای این نظریه کرد (نگاه کنید به اولن بك^{۱۲}، ۱۹۷۵: ۸-۱۰۶) از سنتهای پیشین دور شد.

در این مقاله، من از این موضع دفاعی می‌کنم که نظریه چامسکی نشاندهنده شیوه‌ای انقلابی برای مطالعه زبان است، و نظریه‌ای است که مضمون انقلابی آن به صورت صریح در ساختهای نحوی موجود بوده است. به علاوه، به‌طور مستدل نشان خواهم داد که هم از نظر اجتماعی و هم از لحاظ فکری، این رشته دستخوش انقلاب چامسکی شده است. ولی دگرگونی اجتماعی این رشته، برای دستوریان زایشی موفقیتی متناظر در دستیابی به قدرت نهادی به همراه نداشته است.^{۱۳} در این بحث نشان خواهم داد که زایشیان نه تنها پس از «کودتای کاخی» موفقیت‌آمیزشان به آسودگی بر تخت سلطنت تکیه زده‌اند، بلکه همچنانکه برای یافتن طرفدار با زبانشناسان پیرو دیگر گرایشها رقابت می‌کنند، خود را کاملاً بیرون از حصارهای کاخ می‌یابند.

۲. آنچه به ساختهای نحوی جنبه انقلابی می بخشد برداشت آن از دستور به صورت نظریه يك زبان است، که این نظریه در زمینه ساختمان و ارزیابی منوط به محدودیتهایی است که هر نظریه ای در علوم طبیعی مشروط به آن می باشد^{۱۴}. پیش از سال ۱۹۵۷ عموماً چنین تصور می شد که - نه تنها در زبانشناسی، بلکه در کلیه علوم انسانی و علوم اجتماعی - ارائه نظریه ای صوری و در عین حال غیر تجربی در مورد يك صفت انسانی غیر ممکن است. چامسکی نشان داد که ارائه چنین نظریه ای امکان پذیر است. در واقع فصل اصلی ساختهای نحوی، یعنی «درباره اهداف نظریه زبانی»، به اثبات همانندیهای موجود بین نظریه زبانی به گونه ای که وی برداشت کرده است و آنچه بی چون و چرا نظریه علمی تلقی می شود، اختصاص دارد. با این وجود ساختهای نحوی تنها به خاطر ارائه نظریه ای نودر مورد ماهیت دستور موفق به ایجاد انقلاب نشد؛ این اثر به خاطر اینکه صرفاً تمرینی در زمینه فلسفه نظری علم نبود، پی آمدهای انقلابی داشت. در واقع این کتاب امکان پذیری عملی يك نظریه غیر تجربی را در مورد ساخت زبان اثبات کرد: نیمی از کتاب به ارائه صوری بخشی از دستور زبان انگلیسی و دفاع از آن اختصاص یافته است. برداشت چامسکی از دستور به عنوان نظریه يك زبان به وی امکان داد که بینش عمده نظریه پردازی قبلی درباره زبان، یعنی تمایز زبان / گفتار (بعداً توانش / کنش) را استنتاج کند. از نظر سوسور، که زبانشناسی را شاخه ای از روانشناسی اجتماعی تصور می کرد، این تمایز صرفاً فرضی بود؛ مسلم است که به نظر وی الزاماً دلیلی وجود نداشت که زبان^{۱۵}، «در بین توده ناهمگن واقعیهای گفتاری چیزی کاملاً تعریف شده» باشد (۱۹۶۶: ۱۴). به سادگی می توان يك نظام تبادل کلامی را مجسم کرد که در آن چنین «چیز کاملاً تعریف شده ای» وجود نداشته باشد. ولی از نظر چامسکی این تمایز پی آمد منطقی همگونی زبانشناسی با علوم طبیعی است. درست همان گونه که علم فیزیک در صدد است که طبقه فرآیندهای فیزیکی را دقیقاً معین کند و علم زیست شناسی بر آن است که طبقه فرآیندهای زیست شناختی را به دقت مشخص نماید، يك وظیفه زبانشناسی نیز الزاماً ارائه «مشخصات دقیق طبقه دستوره ای صوری شده»^{۱۶} خواهد بود (چامسکی، ۱۹۶۲: ۵۳۴). جالب است

که پیشینیان تجربه‌گرای چامسکی در زبانشناسی ساختگرای امریکایی، که اصولاً از مسلم فرض کردن يك دوگانگی صریح بر مبنای داده‌های درجه‌بندی شده براساس مشاهده، عاجز بودند، ناگزیر از نفی تمایز زبان / گفتار گردیدند چون زبان [در برابر گفتار] را صرفاً مجموعه‌ای از «عادتهای» مستقیماً قابل استنتاج از رفتار گفتاری به‌شمار می‌آورند (هاکت، ۱۹۵۲). بنابراین، شگفت‌آور نیست که هاکت در تلاش عمده‌اش (۱۹۶۸) در جهت رد نظرهای چامسکی تصدیق کرد که این مسأله که آیا دستور يك زبان، نظامی کاملاً تعریف شده است یا نه، وجه افتراق عمده‌نظر وی درباره‌ی زبان با دیدگاه چامسکی است.

انتشار ساختهای نحوی، به دلیل دیگری نمودار رویدادی انقلابی در تاریخ زبانشناسی بود: این کتاب روابط نحوی را در مرکز زبان جای داد. با تمرکز بر نحو، چامسکی توانست زمینه‌تیین تمایزدهنده‌ترین جنبه‌ی زبان انسان، یعنی خلاقیت آن را فراهم آورد. در مورد اهمیت انقلابی مرکزیت نحو هرچه گفته شود اغراق نخواهد بود. نظامهای واجی و صرفی اصولاً بسته و محدودند. پیچیدگی یا جاذبه‌ی ذاتی آنها هرچقدر باشد، مطالعه‌ی آنها به درک استعداد گوینده برای نوآوری زبانی یا تبیین بیکرانگی زبان منتج نمی‌شود. با این همه، شرحهای قبلی نوعاً نحو را به کلی از زبان کنار گذاشته بودند. به نظر سوسور بیشتر روابط هم‌نشینی به گفتار محول می‌شوند، چنانکه نظر زبانشناسان مکتب پراگ نیز که از دیدگاه «مبحث جمله‌ی کارکردی»^{۱۸} به این روابط می‌پرداختند، در این مورد همین است. درست است که ز. هریس در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ تحلیل صوری روابط نحوی میان جمله‌ای را آغاز کرده بود (نگاه کنید به هریس، ۱۹۵۷)، ولی پای‌بندی او به رویه‌های مکانیکی برای تحلیل دستوری، که از تجربه‌گرایی او سرچشمه می‌گرفت، موجب گردید که وی آنچه را که مطالعه‌ی این روابط برای درک خلاقیت زبانی در برداشت، نادیده بگیرد.

این واقعیت که در ساختهای نحوی نحو مرکز^{۱۸} بوده است، شالوده‌ی انقلاب میان‌رشته‌ای است که این اثر به راه انداخته است. تأثیر آن را بر روانشناسی در نظر بگیرید. مسلماً روانشناسان به زبانشناسی ساختگرای پیش از چامسکی توجه

داشتند؛ در واقع، ج. ب. کارول^{۱۹} چنین نوشته بود (۱۹۵۳: ۱۰۶) «ما از نظریهٔ زبانی، مفهوم سلسله مراتب واحدها را استنتاج می‌کنیم... ممکن است این نظر مطرح شود که می‌توان بخشهای مختلف هر نوع رفتار دیگر را نیز کم و بیش به همین روش سازمان داد». با این وجود، شیوهٔ برخورد با زبانی که کارول به آن اشاره می‌کرد به علت تفویض کردن مقام اصلی به واجشناسی یا صرف چیز زیادی در جهت فهم پردازش زبانی یا جنبه‌های کلیتر رفتار زبانی به دست نمی‌داد. در نتیجه، دستاوردهای زبانشناسی ساختاری در کتاب رفتار زبانی (۱۹۵۷) اثر اسکینر به کلی نادیده گرفته شد و در بررسی عمدهٔ روانشناسی زبانی پیش از چامسکی توسط آزگود^{۲۰} و سیبیاک^{۲۱} در سال ۱۹۵۴، توجه اندکی به آن مبذول گردید. ولی کمی پس از آنکه میلر و دیگران در سال ۱۹۶۰، پی آمدهای نهفته در نظریهٔ نحو چامسکی را برای ساخت رفتار انسانی، بر جامعهٔ روانشناسان آشکار ساختند «انقلاب روانشناسی زبانی» (گرین، ۱۹۷۲: ۱۱) سریعاً رو به پیشرفت نهاد.

تأثیر ساختهای نحوی بر فلسفه نیز به همان اندازهٔ عمیق بود. گرچه دو مکتب فلسفی عمدهٔ نیمهٔ قرن بیستم - تجربه‌گرایی منطقی و فلسفهٔ زبان عادی - مجذوب مسائل زبان بودند اما به زبانشناسی ساختاری توجه اندکی داشتند. ولی شیوهٔ نحو - مرکز چامسکی، با پی آمدهایش در زمینهٔ خلاقیت نامحدود و در عین حال با قاعده، حتی قبل از آنکه توجه فلاسفه را به خصیصه‌های دکارتی این نظریه جلب کند، مباحثاتی را در میان آنان برانگیخته بود (نگاه کنید به: پاتنم^{۲۲}، ۱۹۶۱؛ چامسکی، ۱۹۶۲؛ بار-هیلل^{۲۳}، ۱۹۶۲؛ شفلر^{۲۴}، ۱۹۶۳).

با اینکه برداشت چامسکی از ماهیت نظریهٔ دستوری، انقلابی بود، لازم به توضیح نیست که ساختهای نحوی از جنبه‌هایی چند، برداشتهای بسیار مهم پیشینیان خود را حفظ کرده بود. برجسته‌ترین آنها، این نظر مهم سوسوراست که روابط متقابل و ساخت‌دار عناصر، که به‌عنوان نظامی مستقل قابل توصیف است، در قلب زبان جای دارد. این بینش جوهر «ساختگرایی» را تشکیل می‌دهد و از آنجا که در سراسر ساختهای نحوی و کارهای بعدی چامسکی حفظ شده است، می‌توان وی را يك «ساختگرا» خواند^{۲۵}. برخی از مفسران در رد این عقیده که انقلاب

چامسکی رخ داده است، به این واقعیت استناد کرده‌اند. آنان می‌پرسند از آنجا که ساختگرایی سالها پیش از انتشار ساختهای نحوی تثبیت شده بود، اشاره به انقلاب چامسکی طبق چه معیارهایی درست است؟ بدین سان، ج. لیکاف از تعهد چامسکی نسبت به تحلیل ساختاری چنین نتیجه گرفته است که شکل اولیه دستور گشتاری بیشتر «نتیجه طبیعی زبان‌شناسی ساختگرایی امریکا بوده است» تا یک تحول انقلابی (۱۹۷۱: ۸-۲۶۷). همین نظر بعداً از جانب موری (۱۹۸۰: ۷۶) نیز ابراز شده است، که «شالوده کار اولیه چامسکی را... در زبان‌شناسی ساختگرایی امریکا، بویژه به صورتی که از سوی زلیگ هریس ارائه شده است» می‌بیند؛ همچنین هایمز^{۲۶} و فات^{۲۷}، که از نظر آنان ساختهای نحوی نشان‌دهنده «هیچ‌گونه شواهدی دال بر دگرگونی انقلابی بنیادی نیست»، همین‌گونه اظهار نظر کرده‌اند (۱۹۸۱: ۲۴۱)؛ و چنانکه قبلاً دیدیم کرنر نیز چنین عقیده‌ای دارد.

ولی «ساختگرایی» چامسکی مانع از انقلابی بودن نظریه وی نمی‌شود، همان‌طور که تکاپوی نیوتن وار انیشتین به دنبال قوانین فیزیکی، ماهیت انقلابی نظریه نسبیت را نفی نمی‌کند. پیروزی سوسور، پیروزی ساختگرایی بود، درست همان‌گونه که پیروزی نیوتن پیروزی جهانی قانونمند بود. همان‌طور که دیگر انتظار نداریم که انقلاب بعدی در فیزیک، به مداخله الهی به عنوان یک تدبیر تبیینی، رجعت نماید، متوقع نیستیم که انقلاب بعدی در زبان‌شناسی، انقلابی ضدساختگرا باشد. انقلاب چامسکی انقلابی درون زبان‌شناسی ساختاری بود. انقلابی که برداشتهای ما را از طبیعت ساخت زبانی کاملاً دگرگون ساخت و راه را برای فهم چگونگی ارتباط طبیعت آن با کارکردهای ذهن بشر گشود. هنگامی که هاکت می‌نویسد (۱۹۶۶: ۱۵۶) «نگرش چامسکی... با نگرش بلومفیلد و نگرش خود من تفاوتی آنچنان اساسی دارد که در حال حاضر چارچوب مرجعی که هر دو نگرش را دربر گیرد، وجود ندارد تا بتوان در داخل آن، آنها را با یکدیگر مقایسه کرد»، چنین استنباط می‌شود که وی (به درستی) این واقعیت را نادیده گرفته است که خصیصه «ساختگرایی» وجه اشتراک شیوه برخورد‌های این سه زبان‌شناس است. دین چامسکی به زبان‌شناسان پیش از خود تنها به مفهوم زبان ساخت‌دار منظم

محدود نمی شود، بلکه مفاهیم دیگری را نیز شامل می گردد. منتقدان او در تأیید این ادعا که زبانشناسی دستخوش انقلاب چامسکی نگردیده، به این مفاهیم نیز استناد کرده اند. بدین سان، هایمز و فات (۱۶۷) تأکید می کنند که دستورهای زایشی با ساختهای نحوی وارد عرصه زبانشناسی نشده اند؛ و اظهار می دارند که «اگر منظور از نظریه زایشی نظریه صریح صوری است، منسوب کردن این مفهوم به چامسکی و پیروانش خطایی بزرگ است». و کرنر تأکید می کند که چامسکی اندیشه قاعده گشتاری را از استادش هریس به عاریت گرفته است.

با اینکه هایمز و فات درست می گویند اما ملاحظات آنان به این مسأله که آیا ساختهای نحوی انقلابی بوده است یا نه، ربطی ندارد. هیچ يك از طرفداران نظریه چامسکی تاکنون ادعا نکرده است که مطرح ساختن يك دستور زایشی در بردارنده قواعد گشتاری در سال ۱۹۵۷، يك قطع رابطه انقلابی با رویه گذشته بوده است. در واقع، این اندیشه که می توان دستور را مجموعه ای از دستورات عملها برای تولید جمله های يك زبان دانست، چندین سال بود که رواج داشت (هریس، ۱۹۵۴؛ هاگت، ۱۹۵۴). تا آنجا که به صورت گرایي مربوط می شود، سوسور در سال ۱۸۹۰ گفته بود که توصیف زبانی «جبری خواهد بود یا اصلاً توصیف نخواهد بود» (گدل ۲۹، ۱۹۵۷: ۴۹)، گرچه وی این گفته خود را هرگز در يك تحلیل همزمانی به مرحله عمل در نیاورد. حتی مدلهایی پیشنهاد شده است که چارچوب کلی برنامه پژوهشی چامسکی را قبول دارند، اما در جستجوی جایگزینهایی برای دستورگشتاری هستند. (نگاه کنید به مك کاولی ۳۰، ۱۹۷۰). سهم چامسکی در زبانشناسی طرح این موضوع نبود که دستورهای زایشی ابزارهای مناسبی برای نمایش زبان انسان هستند، بلکه سهم وی تعبیر دوباره زایش در قالب برداشتی انقلابی از ماهیت نظریه زبانی بود.

همین طور قواعد گشتاری در نظریه چامسکی جنبه مرکزی ندارند و هرگز هم نوآوری این نظریه به شمار نیامده اند. برعکس، چامسکی همواره (مثلاً ۱۹۷۵: ۶) ابداع قواعد گشتاری را به هریس منسوب کرده است. چنین قواعدی تنها یکی از چند وسیله ممکن است که نظریه نحوی برای بیان تعمیم های صوری در اختیار

دارد. به هر حال يك نظام اصلاح شده صورت‌گرای، با آنچه به ساختهای نحوی جنبه انقلابی بخشیده است چندان ارتباطی ندارد. بنابراین، شگفت‌انگیز نیست که از سال ۱۹۵۷ چارچوبهایی برای تحلیل نحوی مطرح گردیده که جهان‌بینی آنها در اساس، همان جهان‌بینی چامسکی است، ولی لزوم قواعد گشتاری را صریحاً رد می‌کنند (نگاه کنید به کستر^{۳۱}، ۱۹۷۸، گزدار^{۳۲}، ۱۹۸۱).

هایمز و فات در بحث طولانی خود درباره تداومهای پژوهش در زبان‌شناسی امریکایی، در واقع، خصیصه تمایزدهنده اصلی نظریه چامسکی را بازمی‌شناسند، گرچه آن را يك نوآوری انقلابی نمی‌دانند. آنان چنین می‌نویسند (۱۸۰):

«مناقشه راستین چامسکی با پیروان بلومفیلد بر سر نوع رویه ارزیابی، یا نوع توجیه‌صوری يك تحلیل‌زبانی یا نظریه‌زبانی بوده است که بایستی دنبال شود. وی معیار سادگی قابل‌تعریف (کلیت) را در مقابل با معیار استقرای ممکن از جهت نظری مطرح کرده است.»

ولی «مناقشه راستین» چامسکی با چیزی کم‌اهمیتتر از ماهیت نظریه‌زبانی سروکار نداشت. هیچ مسئله‌ای به اندازه معیارهای معتبر برای ارزیابی نظریه اهمیت ندارد، زیرا يك رویه ارزیابی که به‌طور بنیادی مورد تجدیدنظر قرار گرفته مستلزم نظریه‌ای است که در شالوده ذات شناختی آن تجدیدنظر اساسی شده باشد. کنار گذاشتن رویه‌ای مبتنی بر استقراء و درپیش‌گرفتن رویه‌ای مبتنی بر کلیت، به معنی قطع رابطه با روش گذشته در بنیادیت‌ترین نقطه آن است؛ این موضوع مستلزم آن است که انسان دیگر به دستور به دیده ترکیب عمل کردی - اشتقاقی يك پیکره ننگرد و به آن به‌عنوان نظریه‌يك زبان بیندیشد.

۳. ممکن است چنین نتیجه بگیریم که ساختهای نحوی از لحاظ فکری بر رشته زبان‌شناسی اثری انقلابی به‌جای گذاشته است. اثر آن در مفهوم اجتماعی نیز به همان اندازه انقلابی بوده است. گرچه این واقعیت که تاریخ‌نویسان علم برای بازشناختن انقلابهای موفق معیارهای متضادی را ارائه کرده‌اند، مسئله را پیچیده می‌کند. مثلاً کون در اثر پرنفوذش ساخت انقلابهای علمی (۱۹۷۰)، ادعای کند

که يك معيار اصلی، حصول یکپارچگی اعتقاد نسبت به «الگوی» جدید، در جامعه علمی است. اگر کون درست بگویند در آن صورت هیچ انقلاب (علمی) در زبان‌شناسی رخ نداده است. ۳۳ به طوری که ك. پرسيوال^{۳۴} نشان داده، هیچ شیوه تحلیل زبانی، در گذشته یا حال، با پذیرش همگانی روبرو نشده است؛ به خصوص (۱۹۶۷: ۲۸۹) «دستور زایشی در بین زبان‌شناسان سراسر جهان از توافق همگانی برخوردار نیست؛ دستور زایشی يك چارچوب تعقلی مشترك بين همه اعضا این حرفه نمی باشد». به نظر می رسد که این نتیجه‌گیری اجتناب ناپذیر است: «انقلاب چامسکی» اگر روی داده باشد، «انقلابی به روش کون» نبوده است^{۳۵}.

نظریه کون در مورد انقلابهای علمی به طور قابل ملاحظه‌ای مورد موشکافی قرار گرفته، و منصفانه باید گفت که حتی از نظر خطوط کلی، تعداد اندکی از فیلسوفان علم آن را قبول دارند. ولی در بین مؤلفه‌های نظریه او هیچیک به اندازه فرضیه «یکپارچگی اعتقاد» قابل انتقاد نیست. بدیهی است که هیچ نظریه علمی، حتی آنها که بی چون و چرا، انقلابیترین نظریه‌ها به شمار می آیند، هرگز با توافق همگانی روبرو نبوده‌اند. چنانکه ل. لاودن^{۳۶} فیلسوف اظهارداشته است (۱۹۷۷: ۱۳۷):

«ما از انقلاب داروین در زیست‌شناسی قرن نوزدهم سخن به میان می آوریم، حال آنکه تقریباً قطعی است که تنها بخش کوچکی از زیست‌شناسان فعال در نیمه آخر قرن نوزدهم پیرو داروین بودند. ما از انقلاب نیوتن در فیزیک اوایل قرن هجدهم صحبت می کنیم، در حالی که بیشتر فیلسوفان طبیعی آن دوره طرفدار نیوتن نبودند.»

پس کدام معیار جامعه‌شناختی منحصراً يك انقلاب علمی را مشخص می کند؟ در اینجا لاودن پاسخی قانع کننده ارائه می کند (۸-۱۳۷):

«... انقلاب علمی الزاماً هنگامی رخ نمی دهد که همه یا حتی اقلیتی از جامعه علمی يك سنت پژوهشی جدید را بپذیرند، بلکه هنگامی حادث می شود که سنت پژوهشی تازه‌ای ظهور کند که (احتمالاً به دلیل آهنگ اولیه سریع پیشرفت خود) به قدری جلب توجه نماید که

دانشمندان رشتهٔ مربوطه، صرف‌نظر از تعهدشان نسبت به سنت‌های پژوهشی مختلف، احساس کنند که بایستی با سنت پژوهشی در حال شکوفایی کنار بیایند. جنب و جوشی که نیوتن ایجاد کرد به این دلیل بود که به محض انتشار کتابهای اصول^{۳۷} و نورشناسی^{۳۸} تقریباً هر فیزیکدان فعالی احساس کرد که بایستی به دیدگاه نیوتنی دربارهٔ جهان توجه کند. برای بسیاری از افراد، مفهوم این کار یافتن استدلال‌های متقاعدکننده علیه نظام نیوتنی بود. ولی آنچه تقریباً همگان در مورد آن توافق داشتند این بود که نیوتن روشی را برای برخورد با پدیده‌های طبیعی ابداع کرده بود که نمی‌شد آن را نادیده گرفت. به همین گونه، زیست‌شناسان اواخر قرن نوزدهم، اعم از طرفداران پرشور داروین یا ضد تکامل‌گرایان سرسخت، خود را در موقعیتی یافتند که ناگزیر بایستی در مورد ارزشهای داروینیسم به مناظره می‌پرداختند. اگر بخواهیم موضوع را به صورت کلیتر مطرح کنیم به عقیدهٔ من انقلاب علمی هنگامی رخ می‌دهد که یک سنت پژوهشی، که تا آن زمان برای دانشمندان رشته‌ای معین ناشناخته بوده یا از طرف آنان نادیده گرفته می‌شده است، به مرحله‌ای از تکامل برسد که دانشمندان آن رشته احساس کنند ناگزیر بایستی آن سنت را به عنوان رقیبی برای عقاید خود یا همکارانشان جدی بگیرند». (تأکید از متن اصلی است)

اگر سخن لاودن درست باشد، تردیدی نیست که این رشته دستخوش «انقلاب چامسکی» شده است همان‌طور که هایمز (۱۹۶۴: ۲۵)، یک سال قبل از انتشار جنبه‌های نظریهٔ نحو چامسکی اظهار داشته، «واقعیت این است که دستورگشتاری خود را به عنوان مرجعی برای بحث در مورد نظریهٔ زبانی تثبیت کرده است... در واقع، چامسکی صحنهٔ زیان‌شناسی آمریکا را به نحوی مؤثر به روی بحث آزاد و پر بار امروزی آن گشوده است.» به عبارت دیگر، تا سال ۱۹۶۴ چامسکی و نظریهٔ او محور مباحثات بر سر چگونگی پیشبرد زیان‌شناسی نظری را تشکیل می‌داد.

می‌دانیم که انقلاب چامسکی رخ داده است - ولی نه به این دلیل که هر زبانشناسی در جهان زمانی از دستوریان زایشی بوده یا در حال حاضر در زمره آنان است. انقلاب چامسکی صورت پذیرفته زیرا هر کس بخواهد پذیرش همگان را در مورد نظریه جدیدی کسب کند ناگزیر است نشان بدهد که آن نظریه از چه لحاظ بر نظریه چامسکی برتری دارد. در واقع، نیاز محسوس به پیشی جستن بر چامسکی موجب شده که وی بیش از هر زبانشناسی در تاریخ مورد حمله قرار گیرد. در ارائه برداشتهای دیگر از دستور، معمولاً فصلهای کاملی به رد نظرهای وی اختصاص یافته است (نگاه کنید به جیون^{۳۹}، ۱۹۷۹، پریدو^{۴۰} و دیگران، ۱۹۸۰، مور^{۴۱} و کارلینگ^{۴۲}، ۱۹۸۲). عمق تأثیر چامسکی را می‌توان با توجه به این موضوع دریافت که درصد زیادی از مخالفان او را اروپاییان تشکیل می‌دهند؛ آرای وی موضوع نقدهایی در حجم کتاب بوده است که در بریتانیا (رابینسون، ۱۹۷۵)، هلند (اولن بک، ۱۹۷۵)، فرانسه (هاگژ^{۴۳}، ۱۹۷۶، آلمان (ویت^{۴۴}، ۱۹۷۶)، سوئد (کلیندر^{۴۵}، ۱۹۷۰)، و اتحاد جماهیر شوروی (آخمانواو برزین، ۱۹۸۰) به چاپ رسیده است. از آنجا که تنها درصد اندکی از زبانشناسان اروپایی از دستوریان زایشی بوده‌اند، انگیزه این حمله‌ها چیزی جز این نمی‌تواند باشد که وی در زبانشناسی جهان شخصیت برتر به‌شمار می‌آید.

۴. بدین سان عقاید چامسکی همچنان به ایجاد مقاومت ادامه داده است؛ ولی هنگامی که برای نخستین بار این عقاید در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه گردید، پیشروان زبانشناسی ساختاری امریکا تلاشی برای جلوگیری از نشر این عقاید به عمل نیاوردند. ^{۴۶} درست برعکس، در حالی که ناشران دو نسخه دستنویس اولیه چامسکی را که بنیادی زایشی داشتند رد کردند، همه آثار بعدی او را پذیرفتند. تقریباً از همان آغاز، پیشگامان این رشته چامسکی را درخشانترین و مبتکرترین زبانشناس نسل جدید زبانشناسان دانستند. حتی قبل از این که چامسکی درجه دکتری خود را دریافت کند از وی برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل می‌آمد؛ و در همان سال ۱۹۶۲ وی افتخار یافت که یکی از پنج سخنران در نشستهای همگانی کنگره بین‌المللی زبانشناسان باشد. ^{۴۷} به علاوه برنارد بلاک که

می توان ثابت کرد با نفوذترین زیانشناس امریکا در آن دوره بوده است، به نحو مشهودی چامسکی و نظریه وی را به شیوه های مختلف مورد تشویق قرار داد.^{۴۸} اینکه چامسکی با سهولت انکارناپذیری موفق به یافتن گوش شنوایی گردیده، به عنوان دلیلی در تأیید این مدعا عرضه شده است، که به جای اینکه انقلابی راستین توسط چامسکی صورت پذیرفته باشد، رشته زیانشناسی در اواسط سالهای ۱۹۶۰ شاهد رבוته شدن قدرت توسط چامسکی و طرفدارانش بوده است. موری در سال ۱۹۸۰ این پرسش را مطرح می کند که اگر بلاک و سایر ساختگرایان برجسته، آرای چامسکی را تهدیدی معنوی برای زیانشناسی پس از بلومفیلد می یافتند، یا احتمال می دادند که او به يك قطب جاذبه اجتماعی تبدیل شود، آیا باز هم امکان دستیابی به ارگانهای عمومی این رشته را به او می دادند؟ استدلال موری تلویحاً مبتنی بر این پندار است که هیچ انسان خردمندی با میل و رغبت به براندازی موقعیت برتر خود کمک نمی کند؛ از این رو پیشوایان این رشته (که خردمند بودند) بایستی عقاید چامسکی را کاملاً موافق با آرای خود پنداشته باشند.

اثبات اینکه آیا استدلالی نظیر استدلال موری از چیزی جز نگرشی ملال انگیز درباره طبیعت انسان منشاء می گیرد، دشوار است؛ ولی می توان این نحوه استدلال را ناشی از تعبیر نادرست آن بخشهایی از نوشته کون دانست که به بحث درباره انتقال قدرت از الگویی به الگوی دیگر می پردازد. کون اظهار می دارد (۱۵۰) که «در بسیاری از موارد» مسأله این است که پیش کسوتان يك رشته علمی، تحولات انقلابی را نمی پذیرند؛ در تأیید این عقیده، وی نمونه هایی از پذیرفته نشدن نظریه های نیوتن، پرستلی^{۴۹}، کلونین^{۵۰}، و دیگران را به توسط گروه های تثبیت شده در رشته های مربوطه ذکر می کند^{۵۱}، ولی کون هرگز تلویحاً نمی گوید که پاسداران ارزشهای کهن می کوشند عقاید انقلابی جدید را سرکوب کنند یا اینکه حتی از تشویق چنین عقایدی مضایقه می کنند (هرچند این عقاید با عقاید آنان ناسازگار باشد). به سادگی می توان دستخوش این پندار رمانتیک (و بدبینانه) شد که يك مبتکر جوان در رشته ای، برای اینکه امکان ابراز عقیده بیابد بایستی با گروه تثبیت شده مانع تراش قهرمانانه بجنگد. ولی چنین سناریویی نه در زیانشناسی و نه

به‌طور کلی در علم با واقعیت تطبیق نمی‌کند. انقلاب چامسکی این نکته مطرح شده توسط کون را کاملاً تأیید می‌کند که اعضاء گروه تثبیت شده، خود نظریه‌های جدید را نمی‌پذیرند. به استثنای سل ساپرتا^{۵۲} و رابرت استاکول^{۵۳} (که هر دوی آنان در آن زمان خیلی جوان بودند) و تعداد بسیار معدود دیگر، زبان‌شناسان ساختگرایی برجسته اواخر دهه ۱۹۵۰ به دستوریان زایشی نپیوستند.

به هر حال، اظهار نظرهای منتشر شده ساختگرایان برجسته امریکایی درباره کار اولیه چامسکی، شکی باقی نمی‌گذارد که آنان متوجه بوده‌اند که اثری نظریه‌های تثبیت شده آنها را درباره چگونگی انجام پژوهش زبانی به‌طور اساسی به چالش می‌خواند. مثلاً س. ف. و گلین^{۵۴} تشخیص داد که رد رویه‌های کشف مبتنی بر تجربه‌گرایی، محور شیوه چامسکی را هم در مورد نحو و هم در رابطه با واجشناسی تشکیل می‌دهد، و چنین نوشت (۱۹۵۸: ۲۲۹): «اگر دستورگشتاری زبان‌شناسان را ترغیب کند که واجشناسی را به یک مرحله مقدماتی تحلیل موکول کنند... و در تحلیل نهایی... منحصرأدر سطح واژ-واجشناسی^{۵۵} عمل نمایند، موفق به ایجاد یک انقلاب کپرنیکی خواهد شد^{۵۶}» همین‌طور م. جوس ضمن اینکه هسته «ساختگرایی» دستور زایشی را بازشناخت، متوجه شد که دستور زایشی با سایر شیوه‌های ساختگرا تفاوت بنیادی دارد؛ از این رو، وی نظریه چامسکی را «بیشتر ارتدادی درون سنت نوسوسوری تشخیص داده تاریخی برای آن» (۱۹۶۱: ۱۷). چرا این نظریه ارتدادی است؟ زیرا

«چیزی را که سالیان متمادی یا بدیهی فرض شده بود یا از آن اجتناب شده بود... نادیده می‌گیرد... و این اصل بدیهی نوسوسوری است که می‌توان آن را به این شکل بیان کرد «متن ساخت خود را نشان می‌دهد». از این فرض ضمنی، خودبخود در دسرافرینترین قاعده روش‌شناسی نوبلومفیلدی، یعنی قاعده‌ای که مستلزم «جدایی سطح‌ها» است منتج می‌شود... ولی پیشروان نظریه [زایشی] می‌توانند نشان دهند که هیچ علم دیگری قاعده‌ای مشابه آن ندارد.» (۱۷-۱۸؛ تأکید از نویسنده مقاله حاضر است).

به طور خلاصه، جوس تشخیص داده است که محدودیت‌های تجربه‌گرایانه در راه نظریه‌پردازی، محور جنبش چامسکی را تشکیل داده است و هدف اصلی چامسکی وفق دادن زبان‌شناسی با علوم طبیعی بوده است.

در جای دیگر (نیومیر، ۱۹۸۰: ۷-۴۶) اشاره کرده‌ام که ج. ف. هاکت نه تنها دستور زایشی را صرفاً گسترش منطقی کارهای خود و دیگران طبق سنت پس از بلومفیلدی به‌شمار نیاورده، بلکه تا آنجا پیش رفته که انتشار ساختهای نحوی را یکی از «تنها چهار جهش عمده» در تاریخ زبان‌شناسی نوین توصیف کرده است (۱۹۶۵: ۱۸۵). وی چنین نوشته است:

«بین خطابه سرویلیام [جونز] و سی و نهمین همایش سالانه انجمن زبان‌شناسی امریکای فاصله ۱۷۸ ساله وجود دارد. نصف عدد ۱۷۸، عدد ۸۹ است که یک عدد اول می‌باشد. اگر این عدد را با عدد ۱۷۸۶ [تاریخ خطابه جونز] جمع کنیم به سال ۱۸۷۵ می‌رسیم که طی آن «یک مورد استثنا در اولین تغییر صوتی گرمانیک» اثر کارل ورنر منتشر شد. پس از آن دوگام پیاپی هر یک به طول ۴۱ سال . . . ما را به انتشار دوره زبان‌شناسی همگانی اثر فردینان دوسوسور پس از مرگ وی، و سپس به ساختهای نحوی اثر چامسکی می‌رساند.

من این بازی مختصر با اعداد را از این رو بر خود جایز دانستم که می‌دانم هیچیک از شما آن را جدی نخواهید گرفت. ولی در پس این شوخی، نیتی هشیارانه نهفته است. رشته ما ظرف مدت کوتاه ۱۷۸ سال موفقیت زیادی کسب کرده است؛ با وجود این، به عقیده من تنها چهار جهش عمده وجود داشته است. همه کارهای دیگری که انجام داده‌ایم به نحوی به این چهار جهش مربوط می‌شود.»

به نظر هاکت جهش عمده ساختهای نحوی کنار گذاشتن محدودیت‌های تجربه‌گرایانه در نظریه‌پردازی و ارزیابی بوده است - که مستلزم قایل شدن تمایز بین اکتشاف و رویه‌های ارزیابی و توصیف عملی نظریه‌صوری، و نیز مستلزم وضع کردن معیارهای صوری بوده است که یک نظریه‌بایستی با آنها مطابقت کند. هاکت

مؤلفه‌های گوناگون نظریه غیر تجربه‌گرا را جمعاً «فرضیهٔ جوابگویی» خوانده و چنین نوشته است (۱۹۶): «یقین دارم که این يك جهش است.^{۵۷۳} حتی قبل از انتشار جنبه‌های نظریهٔ نحو چامسکی (۱۹۶۵)، مفسران به تأثیر انقلابی وی بر این رشته اشاره می‌کردند. این واقعیت، این نظر را رد می‌کند (نگاه کنید به بخش ۱ همین مقاله) که تنها پس از انتشار کتاب اخیر معاصران چامسکی متوجه شدند که وی از جریان اصلی سنت پس از بلومفیلدی جدا شده است. در مقاله‌های منتشرشده در سال ۱۹۶۵ (که ظاهراً پیش از انتشار جنبه‌ها نوشته شده است)، گفته می‌شد که «اکنون دیگر بدیهی است که انتشار ساختهای نحوی مشخص‌کنندهٔ يك مبداء تاریخی در تحول تفکر زبانشناختی امریکا است» (لوین^{۵۸}، ۱۹۶۵: ۹۲)، و اینکه انقلابی از آن نوع که کون توصیف می‌کند، اخیراً با انتشار ساختهای نحوی چامسکی در سال ۱۹۵۷ در زبانشناسی رخ داده است (تورن، ۱۹۶۵: ۷۴)؛ و اینکه این کتاب کم‌حجم [یعنی ساختهای نحوی] بعدها تأثیر شگفت‌آوری بر زبانشناسی گذاشت (باخ،^{۵۹} ۱۹۶۵: ۱۲-۱۱۱).

در همان راستا، بررسیهای منتشرشدهٔ پس از ۱۹۶۵ نوعاً انقلاب چامسکی را رویدادی تاریخی دانسته‌اند که با ظهور ساختهای نحوی مشخص می‌شود و نه جنبه‌ها. در حالی که می‌توان انتظار تاریخ‌گذاری زودرسی را از جانب دستوریان زایشی داشت، غیرزایشیان نیز سال ۱۹۵۷ را مشخص‌کنندهٔ نقطهٔ عطف این رشته دانسته‌اند. بدین سان، ت. سیبیاک (۱۹۶۹: ۷۱۱) از «پیدایش الگوی چامسکی در اواخر سالهای ۱۹۵۰» سخن می‌گوید؛ ر. ه. رایبیز می‌نویسد (۱۹۷۱: ۳۳) که «در سال ۱۹۵۷ انتشار ساختهای نحوی اثر نوآم چامسکی توصیف و تحلیل زبانها را دستخوش جنب و جوشی هیجان‌انگیز کرد»؛ ه. پرت^{۶۰} می‌گوید (۱۹۷۴: ۲۷) که «تقریباً همه، انتشار ساختهای نحوی را در سال ۱۹۵۷، انقلابی در زبانشناسی معاصر به‌شمار آورده‌اند.» گواهی شخصی ه. مک‌لی، روانشناس زبان، ممکن است تاحدودی از گرایش موافق وی نسبت به دستور زایشی تأثیر پذیرفته باشد، ولی در عین حال، عقیدهٔ رایجی را ثبت کرده است. بنابه گفتهٔ مک‌لی (۱۹۶۳) «تأثیر خارق‌العاده و تکان‌دهندهٔ انتشار ساختهای نحوی اثر نوآم چامسکی را

کسی که در دورهٔ این دگرگونی بزرگ نزیسته باشد، مشکل می‌تواند درک کند. « حتی ر. آ. هال می‌توانست بنویسد (۱۹۶۹: ۱۹۲) که «بویژه از سال ۱۹۵۷، در نتیجهٔ تعالیم نوآم‌چامسکی، که از جهات بسیاری با تعالیم شیوه‌های قبلی کاملاً تقابل دارد، دگرگونی گسترده‌ای ایجاد گردیده است. » به گفتهٔ هال (۲۲۶)،

”جریان ظهور ضد حمله‌ها در ایالات متحده کندتر [از اروپا] بود، در درجهٔ نخست به این دلیل که بسیاری از دانشمندان شناخته شده در آغاز پی آمده‌های کامل «طرده‌گرایی» مطلق و مواضع ضدعلمی چامسکی را درک نمی‌کردند، و انتظار داشتند که استدلال‌های وی خود موجب بطلان خویش گردند، و جاذبهٔ این استدلال‌ها را برای تازه‌واردان کم تجربه در زبان‌شناسی و ملهم از خرافات زبانی موجود در فرهنگ ما دست کم می‌گرفتند.“ (تأکید از نویسندهٔ مقاله حاضر است)

۵. موفقیت چامسکی در وضع قواعد اساسی تازه برای مباحثهٔ زبان‌شناختی با موفقیت مشابهی برای جذب گروهی از افراد تازه‌نفس به این رشته همراه بوده است. درست است که در سالهای ۱۹۶۰ تقریباً همهٔ حوزه‌های آموزش عالی در امریکا با آهنگ سریعی گسترش یافت؛ ولی رشد زبان‌شناسی (که برحسب تعداد درجه‌های دکتری اعطا شده ارزیابی شده است) سه‌برابر میانگین آهنگ گسترش در همهٔ رشته‌ها بوده است. و در اوایل سالهای ۱۹۷۰، هنگامی که تعداد دانشجویان سال اول فوق‌لیسانس فیزیک به میزان ۴۱٪، زبان انگلیسی به میزان ۳۵٪، و تاریخ به مقدار ۳۱٪ کاهش یافت، رشتهٔ زبان‌شناسی، در واقع، شاهد افزایشی به میزان ۴۹٪ بود (نیومیر، ۱۹۸۰: ۴-۵۲). از آنجا که امید به دریافت پادشاهای مادی آینده نمی‌توانسته است انگیزهٔ این دانشجویان برای ورود به دوره‌های زبان‌شناسی باشد، معقول به نظر می‌رسد که بخش قابل ملاحظه‌ای از رشد پرشتاب این حرفه پس از سال ۱۹۵۷ را معلول جاذبهٔ دستور زایشی بدانیم.

بنابراین، می‌توان تصور کرد که دستوریان زایشی در کسب یک موقعیت سازمانی برتر در زبان‌شناسی امریکایی نیز بایستی به همان اندازه موفق بوده باشند.

یعنی با توجه به موفقیت‌های دیگر این گروه، معقول به نظر می‌رسد که بایستی چامسکی و یارانش تصمیم‌های روزمره‌ی مربوط به استخدام افراد، انتشار کتابها و مقالات، و اعطای کمک‌هزینه‌ها را اتخاذ نمایند. در واقع چنانکه دیدیم، موری، آنتیلا، گری، و سایرین معتقدند که تنها دستاورد راستین آنها همین است - چیزی که آنان بیرحمانه از آن بهره‌برداری می‌کنند تا منتقدانی را که در دانشگاه‌های آنان شاغل نیستند «خاموش» سازند (مائر، ۶۱، ۱۹۸۰: ۶).

در تأیید این عقیده که زبان‌شناسی امریکا از نظر سازمانی به وسیله‌ی دستوریان زایشی کنترل می‌شود، شواهد ناچیزی می‌یابیم؛ در واقع، نفوذ آنها به‌طور نامتناسبی اندک است. ۶۲ اولاً برای هر کس که مایل به تحصیل زیر نظر زبان‌شناسان غیرزایشی باشد امکانات زیادی وجود دارد. برنامه‌های زبان‌شناسی در بسیاری از دانشگاه‌های عمده، از جمله دانشگاه‌های کالیفرنیا (برکلی)، کلمبیا، فلوریدا، جورج تاون، هاروارد، هاوایی حوزه‌ی ایلینوی (شیکاگو)، میشیگان، دانشگاه ایالتی میشیگان، نیومکزیکو، ارگان، پنسیلوانیا، رایس، دانشگاه ایالتی نیویورک (بافالو)، ویل، تحت سلطه‌ی غیرزایشیان است. طبق بررسی که اخیراً با حمایت شورای پژوهش ملی به عمل آمده است، بخش‌های زبان‌شناسی دانشگاه‌های کالیفرنیا (برکلی) و پنسیلوانیا در زمره‌ی ده‌بخش زبان‌شناسی برتر کشور می‌باشند. حتی در بخش‌های زبان‌شناسی دانشگاه‌های براون، دانشگاه شهر نیویورک، کرنل، مینه‌سوتا، کالیفرنیا جنوبی، یو.سی. ال.ای، و ویسکانسین، که اکثریت اعضای هیئت علمی آنها را دستوریان زایشی تشکیل می‌دهند، دانشجو می‌تواند تحت نظر کسانی که نسبت به شیوه‌ی زایشی موضعی خصمانه دارند، درس بخواند. ثانیاً دستوریان زایشی تنها بخش ناچیزی از کمک‌هزینه‌های تحصیلی تخصیص یافته به این رشته را دریافت می‌کنند. چنانکه اسناد دولتی نشان می‌دهد، در سال ۱۹۸۲ زایشیان ۷ فقره از ۲۸ فقره کمک‌هزینه‌ی تحصیلی اعطاشده از طرف مؤسسه‌های ملی بهداشت در زمینه‌ی زبان‌شناسی، و تنها ۱۱ فقره از ۴۷ فقره کمک‌هزینه‌های تحصیلی اعطاشده از سوی بنیاد ملی علم را در چارچوب برنامه‌ی زبان‌شناسی خود دریافت کرده‌اند. ۶۳ باورنکردنی است که بنیاد فورد انگیزه‌ی سیاسی

را دلیل امتناع خود از سرمایه‌گذاری در پژوهشهای زایشی ذکر می‌کند. این بنیاد نسبت به این واقعیت که زایشیان «[این رشته را] از جهان رویدادهای غیرزبانی جدا کرده‌اند و توجه خود را بر نظریه‌های انتزاعی و صوری درباره ماهیت و ساخت زبان متمرکز نموده‌اند»، معترض است (فاکس^{۶۴} و اسکولنیک^{۶۵}، ۱۹۷۵: ۶). بنیاد فوردمیل دارد از زبانشناسانی حمایت کند که «به این نتیجه رسیده‌اند که اعتباررشته آنان بیش از هر چیز از طریق توانایی آن در کمک به شناخت جامعه تعیین می‌شود.» تا آنجا که توانسته‌ام تشخیص بدهم دو دریافت‌کننده عمده کمک هزینه فردی در رشته زبانشناسی ظرف پانزده سال گذشته ویلیام لباو و پیتر لدفوگد بوده‌اند، که کار هیچک از آن دورا نمی‌توان اصولاً تفسیر نظریه چامسکی یا دفاع از آن به‌شمار آورد؛^{۶۶} و واحد سازمانی که بیشترین منابع و کارکنان را در این رشته در اختیار دارد مؤسسه زبانشناسی تابستانی است، که تعداد معدودی از اعضای آن از دستوریان زایشی هستند.

مطالب زیادی در مورد سرمایه‌گذاری (مستقیم یا غیرمستقیم) نظامی در پژوهشهای زایشی طی سالهای ۱۹۶۰ نوشته شده است، و در اینکه چنین سرمایه‌گذاری در موفقیت اولیه این نظریه نقشی داشته است، تردیدی نیست (نگاه کنید به نیومیر و اموندز، ۱۹۷۱؛ نیومیر، ۱۹۸۵). ولی آنچه اغلب فراموش می‌شود این است که پس از تصویب اصلاحیه مانسفیلد در مورد یک لایحه تخصیص اعتبارات در اواخر دهه ۱۹۶۰، که کلیه پرداختهای نظامی برای تحقیقات راموکول به اثبات اهمیت نظامی آن تحقیقات می‌کرد، این سرمایه‌گذاری با توقف کامل روبرو شد. طی سالهای ۱۹۷۰، درحالی که جامعه‌شناسان زبان از بخشهای مختلف وزارت بهداشت، آموزش، و بهزیستی، و آواشناسان از بنیاد ملی علم کمک مالی می‌گرفتند، رشته زبانشناسی ام. آی. تی. ناگزیر بود به کمک هزینه‌های کارآموزی نسبتاً غیرمثمر مؤسسه ملی بهداشت روانی برای دانشجویان خود در دوره‌های دکتری و فوق‌لیسانس قناعت کند.

ثالثاً انجمن زبانشناسی امریکا را نمی‌توان سازمانی تحت سلطه زایشیان دانست. در تاریخ این انجمن تنها دو تن از رؤسای آن، که سالانه انتخاب

می شوند، از دستوریان زایشی بوده‌اند، و طرفداران نظریهٔ چامسکی اقلیتی از کمیتهٔ اجرایی آن را تشکیل می دهند. در واقع، در بین بسیاری از زایشیان این تصور وجود دارد که انجمن زبانشناسی امریکا يك سازمان ضد زایشی - یادست بالا، با نیازهای آنان بی ارتباط است. در نتیجه، بسیاری از آنان زحمت پیوستن به این انجمن را به خود نمی دهند. بررسی بولتن دسامبر ۱۹۸۴ انجمن زبانشناسی امریکا (شمارهٔ ۱۰۶) نشان می دهد که دستوریان زایشی برجسته‌ای که در زیر نامشان ذکر می شود، در این انجمن عضویت ندارند: مایکل بریم^{۶۷}، جون برزنان^{۶۸}، جوزف اموندز، رابرت فینگو^{۶۹}، اسوالدوجیگلی^{۷۰}، لوری کارتونن، ادوارد کینن^{۷۱}، چارلز کیسه‌برت، ادوارد کلیما، مارک لیبرمن، الن پرایس، پل پستال، و ادوین ویلیامز.^{۷۲}

همین طور مجلهٔ زبان، که به وسیلهٔ انجمن زبانشناسی امریکا منتشر می شود، گرایشی در جهت دستور زایشی ندارد. در حالی که بخش اعظم هیئت تحریریهٔ آن را دستوریان زایشی تشکیل می دهند، سردبیر آن از دستوریان زایشی نیست. باید گفت که قدرت زایشیان در این رشته کمتر از آنچه بایسته است در صفحات مجلهٔ زبان منعکس می شود؛ تنها حدود يك سوم از مقاله‌های آن نشاندهندهٔ این سوی گیری است. در سالهای اخیر شاهد مقاله‌ای تحت عنوان «دربارهٔ شکست دستور زایشی» (گراس، ۱۹۷۹^{۷۳}) بوده‌ایم و تنها يك شمارهٔ واحد (مارس ۱۹۸۲: ۵۸)، حاوی مقالات زیر است:

مقاله‌ای نوشتهٔ ر. لنگر که برداشتی بدیل از دستور را در برابر برداشت چامسکی ارائه می کند؛ يك مقالهٔ نقد و بررسی نوشتهٔ شیفمن^{۷۴} که دستور زایشی را به علت مفروض داشتن «گوینده- شنوندهٔ مطلوب» و قواعد مقوله‌ای مورد استهزاء قرار می دهد، و نیز يك مقالهٔ نقد و بررسی ستایش آمیز نوشتهٔ ج. جیگر^{۷۵} و ون لین^{۷۶} دربارهٔ کتابی (پریدو و دیگران، ۱۹۸۰) که چنین نتیجه می گیرد که آزمایشات در زمینهٔ روانشناسی زبان شیوهٔ چامسکی را نفی می کنند.^{۷۷}

به هر سو بنگریم چیزی در تأیید این مدعا که زایشیان بر این رشته حکمفرمایی می کنند نمی یابیم. برخی از مجله‌ها گرایش زایشی دارند و برخی جهت گیری غیر

زایشی یا ضد زایشی، برخی از کنفرانسها بر مضمونهای زایشی تکیه دارند، برخی دیگر چنین نیستند. مؤسسه زبان‌شناسی در سال ۱۹۸۳ به دستور زایشی‌گرایش داشت^{۷۸} و در سال ۱۹۸۵ چنین‌گرایشی نداشت؛ و به همین ترتیب، نمی‌توان به این نتیجه نرسید که در ایالات متحده بازار آزادی برای ارائه عقاید زبان‌شناختی وجود دارد و هیچ نظریه، چارچوب یا سمت‌گیری خاصی در چنان موقعیتی قرار ندارد که مانع مسموع واقع شدن آرای دیگران گردد.

تأمل در این باره که چرا دستاوردهای فکری و شهرت عمومی زایشیان با تسلط سازمانی مشابهی همراه نیست جالب است. دلایلی چند به ذهن انسان خطور می‌کند. این وضعیت تا حدودی ناشی از فاصله زمانی اجتناب‌ناپذیر بین به رسمیت شناخته شدن نظریه‌ای علمی به عنوان یک نظریه انقلابی و نهادی شدن آن در مراکز علمی است. مثلاً سالها قبل از اینکه نظریه نسبیت در کلیه بخشهای مهم فیزیک دانشگاهها جزء برنامه درسی پایه قرار گیرد، و پیش از اینکه مدافعان این نظریه موفق به احراز مقامهای مهمی در مجامع حرفه‌ای گوناگون این رشته شوند، انستین جایزه نوبل را دریافت کرده بود و نامش برای همگان نامی آشنا بود. فاصله زمانی همچنین این واقعیت را که از بین همه زایشیان، تنها موریس هله و ویکتوریا فرامکین در مقام رئیس انجمن زبان‌شناسی آمریکا خدمت کرده‌اند، به وضوح توجیه می‌کند. تجربیات معدودی از دیگر زایشیان برای نیل به شایستگی احراز این مقام افتخاری کافی بوده است.

دلیل دیگر، به برداشت شخص چامسکی از این رشته مربوط می‌شود. از یک مصاحبه او نقل قول می‌کنم (۱۹۸۲: ۳-۴):

”هنگامی که به رابطه خودم با این رشته در گذشته می‌نگرم، می‌بینم که این رابطه در هر مرحله انزوای کامل یا انزوای تقریباً کامل بوده است. تصور نمی‌کنم که این وضع اکنون خیلی فرق کرده باشد. . . ولی هیچ زمانی را به یاد ندارم که نوع کاری که انجام می‌دادم جز برای بخش بسیار کوچکی از افراد دست‌اندر کار در این رشته جالب بوده باشد.“
صرف‌نظر از اینکه حق با چامسکی باشد یا نباشد (که قطعاً حق با وی نیست)^{۷۹}،

برداشت وی از این رشته، سبب دلسرد کردن بسیاری از افراد زیرنفوذش از شرکت در زیرساخت دیوانسالارانه این رشته بوده است. بدون شك این واقعیت نشان می‌دهد که چرا تعدادی بدین سان اندك از زایشیان در کمیته‌های انجمن زبانشناسی امریکا همکاری داشته‌اند، و حتی شاید دلیلی برای انتشار بیش از حد محدود مقالات مربوط به دستور زایشی در مجله زبان باشد. مقاله‌های ارائه شده به وسیله زایشیان با آهنگ نامتناسبی رد نمی‌شوند، بلکه تعداد چندان زیادی از این گونه مقاله‌ها عرضه نمی‌شوند. تقریباً بیست سال است که دوری جستن چامسکی از این رشته مانع از این شده است که وی مقاله‌ای به این مجله ارائه کند؛ و به نظر می‌رسد که بسیاری از همکاران وی نیز از او تبعیت کرده‌اند.

همچنین به نظر می‌رسد که عدم برتری زایشیان تا حدودی از ماهیت و دامنه رشته زبانشناسی ریشه می‌گیرد. جنبه‌هایی از این رشته هست که انقلاب چامسکی در آنها تأثیری نگذاشته است و احتمال هم ندارد که در آنها اثر بگذارد. به عنوان مثال، مباحثی از قبیل وضع زبان در بلژیک، توصیف رفتار نوبت‌گیری در محاوره، و میزان تقویت موقعیت اجتماعی زنان بر پایه کاربرد تجویزی ضمائر سوم شخص مذکر را در جامعه شناسی زبان در نظر بگیرید. شیوه برخورد انسان با این مسائل با صورت صحیح نظریه دستوری کاملاً بی‌ارتباط به نظر می‌رسد. همین نکته را می‌توان درباره بسیاری از موضوعهایی که آواشناسی تجربی، کاربردشناسی، معنی‌شناسی واژگانی، و سایر حوزه‌های سنتی مطالعه زبانشناختی به آن می‌پردازد، نیز مطرح کرد. از آنجا که بسیاری از حوزه‌های فرعی زبانشناسی به جای آن که نظریه دستوری را به چالش بخوانند بیشتر مکمل آن هستند، تعجب آور نیست که موفقیت انقلاب چامسکی قدرت سازمانی پژوهشگرانی را که در این حوزه‌ها کار می‌کنند، دست‌نخورده باقی گذاشته باشد.

سرانجام، تنوعی که امروزه در این رشته وجود دارد تا حدودی زائیده پیچیدگی فوق‌العاده موضوع مورد مطالعه آن است. درحالی که برخی از پدیده‌های زبانی بدون چون و چرا از قلمرو تحلیل دستوری خارج‌اند، گروه کثیری از دیگر پدیده‌ها ممکن است قابل بررسی دستوری باشند یا نباشند. در نتیجه، انبوهی از شیوه‌های

بررسی زبان ایجاد شده است که هر يك تعدادی هوادار به گرد خود جمع کرده‌اند و هر يك تفسیر خاص خود را از پدیده‌هایی یکسان عرضه می‌دارند. چامسکی خود برداشتی «مُدولی» از زبان را مطرح کرده است که در آن پدیده‌های پیچیدهٔ زبانی نتیجهٔ تأثیرگذاری متقابل بسیاری از نظام‌های مختلف، که دستور صوری تنها یکی از آنهاست، دانسته می‌شوند (۱۹۶۵: ۴-۳-۱۹۸۱: ۶-۱). ولی سایر دیدگاه‌های متداول، از این عقیده که نظام‌های دستوری صرفاً محصول اصول ارتباط و شناخت می‌باشند و به هیچ وجه موجودیت مستقلی ندارند (مقایسه شود با جیون)، تا طرف مقابل قضیه، یعنی این عقیده که حتی اطلاعاتی چون فرهنگ، موقعیت اجتماعی، و نگرش‌های گوینده بایستی وارد دستور شود (لیکاف، ۱۹۷۴)، تنوع دارند. چنان‌که قبلاً ذکر شد پیروان این مواضع، همواره موضع خود را در رابطه با موضع چامسکی مشخص (و از آن دفاع) کرده‌اند؛ ولی در ایجاد قطب‌های جاذبهٔ مخالف با وی مشکلی نداشته‌اند. در واقع، طبیعت نسبتاً آزاد و غیرمتمرکز محیط‌های علمی امریکا، که در آن «وزارت آموزشی» وجود ندارد که همهٔ وجوه و منصب‌ها را تقسیم کند، پیدایش تعداد کثیری از مکتب‌های فکری رقیب را در این رشته تشویق کرده است.

نتیجه‌گیری: به رغم این واقعیت که دستور زایشی از نظر نهادی مسلط نیست، شواهد زیادی دال بر اینکه انقلاب چامسکی با موفقیت صورت گرفته است وجود دارد. این انقلاب در سال ۱۹۵۷ با انتشار ساختهای نحوی آغاز شده و اثرهای عمیقی - هم از لحاظ فکری، برای مطالعهٔ زبان، و هم از نظر اجتماعی برای رشتهٔ زبان‌شناسی، به همراه داشته است.

* * پی‌نوشتها و مأخذ:

۱. در اینجا میل دارم از جوزف اموندز، جیمز مک‌کاولی، مل ساپرتا، ویلیام برایت، کیت پرسیوال، دیوید لایت‌فوت، جفری پلام، نوام چامسکی، پاتریشیا کیتینگ و ریچارد آگل، به خاطر اظهار نظر در مورد پیش‌نویس این مقاله تشکر کنم. لازم به تذکر نیست که هیچ‌گونه مسئولیتی در مورد اشتباهات مقاله، چه در واقعیات و چه در

تعبیر آنها متوجه آنان نیست.

2. Searle
3. Thomas Kuhn
4. Koerner
5. G. Sampson
6. R. Longacre
7. S. Murray
8. R. Anttila
9. B. Gray
10. autonomous phoneme
11. Hill
12. Uhlenbeck

۱۳. در سراسر این مقاله اصطلاح «دستوریان زایشی» و «زایشی» در مورد کسانی به کار خواهد رفت که آثار منتشر شده ایشان عمدتاً به تفسیر یا دفاع از برداشتی از زبان اختصاص داشته که طرح کلی آن در ساختنهای نحوی و جنبه‌های نظریه‌نحو اثر چامسکی ارائه شده است. یعنی این عناوین به کسانی اطلاق خواهد شد که نسبت به برنامه توصیف توانائی زبان انسان براساس دستوری پای‌بند هستند که خصیصه‌های اساسی آن جهانی است و متشکل از مجموعه‌ای از قواعد صوری، و دارای اثر متقابل است. طبق چنین معیاری کسانی که ممکن است با برداشت چامسکی موافق باشند ولی در زمینه دستوری زایشی چیزی منتشر نکرده‌اند، یا کار آنها در این زمینه ناچیز بوده است، جزء «دستوریان زایشی»، طبقه‌بندی نمی‌شوند. همین طور با تعریفی که به این ترتیب داده شد، این اصطلاح کسانی را که شیوه برخوردشان با دستور، با کنار گذاشتن قاعده مجزا دوگانگی توانش/کنش را به چالش می‌خواند، مثل نظریه دستوری محو، (fuzzy grammar) لیکاف ۱۹۷۳، یا مدلهایی را که «قواعد متغیر» را در بر می‌گیرند (مقایسه کنید با لباو، ۱۹۷۲)، شامل نمی‌شود. لازم به تذکر نیست که افراد می‌توانند در مرحله‌ای از حرفه خود «زایشی» باشند ولی در مرحله دیگر چنین نباشند.

۱۴. بسیاری از ساختگرایان اروپائی، از جمله سومسور صریحاً خود را دست‌اندرکار زبانشناسی «علمی» دانسته‌اند؛ ولی نسبتاً روشن است که آنان خود را از نظر اهداف و روش شناسی مشابه دانشمندان علوم طبیعی به‌شمار نیاورده‌اند. ظاهراً از نظر بسیاری از آنان اصطلاح «علمی» تقریباً مترادف با «عینی» یا «غیر تجویزی» بوده است. به قطعه زیر از کتاب مارتینه (۱۹۶۰: ۹) توجه کنید: «مطالعه هنگامی علمی خوانده می‌شود که مبتنی بر مشاهده واقعیات باشد و از توصیه به گزینش از بین این واقعیات براساس برخی از اصول زیبایی‌شناختی یا اخلاقی خودداری ورزد. بنابراین «علمی» در تقابل با «تجویزی» است.»

15. Langue
16. Formalized grammars
17. Functional sentence perspective
18. Syntax - centered
19. J.B. Carrol
20. Osgood
21. Sebeok
22. Putnam
23. Bar - Hillel
24. Scheffler

۲۵. به‌سبب آنکه چامسکی و پیروانش در اوایل دهه ۱۹۶۰، عنوان «ساختگرا» را به آن دسته از شیوه‌های همزمانی

سنت سوسوری اطلاق می‌کردند که با دیدگاه‌های آنها در نظریه‌پردازی مشابهت نداشت، مفهوم «ساختگرایی» دچار ابهام شده است. در نتیجه، اکنون هنگامی که در زبان‌شناسی دربارهٔ يك «ساختگرا» صحبت می‌کنیم، معمولاً چنین برداشت می‌شود که منظور يك زبان‌شناس پیش از چامسکی یا ضدچامسکی است. جالب است که مفسران و تحلیل‌گران غیر زبان‌شناس همواره چامسکی را يك «ساختگرا» دانسته‌اند و می‌بینیم که آراء وی در بیشتر بررسیمهای ساختگرایی قرن بیستم مورد بحث قرار می‌گیرد (نگاه کنید به لین، ۱۹۷۰: ۲۹-۲۸؛ دوجرج و دوجرج، ۱۹۷۲: X).

26. Hymes

27. Fought

۲۸. پایان‌نامهٔ لیسانس چامسکی در سال ۱۹۴۹ و پایان‌نامهٔ فوق‌لیسانسش در سال ۱۹۵۱ (که به سال ۱۹۷۹ منتشر گردید) توصیفی زایشی از زبان عبری به‌دست می‌دهد و چند سال از مقاله‌های هریس و هاکت متقدمتر است. در سال ۱۹۸۴ کرنر، ظاهراً بی‌اطلاع از کارهای چامسکی، در تأیید این ادعای خود که ساختهای نحوی انقلابی نبوده است به هاکت و هریس استناد می‌کند. در واقع هاکت و هریس از این جهت که نظام قواعدی که به آن اشاره می‌کنند، توصیف ساختی کاملی برای هر پیام زبانی تولیدشده تعیین نمی‌کنند، نظریه‌ای به مراتب ابتدائی‌تر از نظریهٔ مطرح‌شده در پایان‌نامهٔ سال ۱۹۴۹ چامسکی ارائه می‌دهند.

29. Godel

30. Mc Cawley

31. Koster

32. Gazdar

۳۳. مک کاولی، ۱۹۸۵، شرط «توافق همگانی» کون را این‌طور تفسیر می‌کند که تنها اتفاق آرای ظاهری کافی است؛ یعنی علم بهنجار هنگامی وجود دارد که پیروان شیوهٔ غالب به خود این زحمت را نمی‌دهند که به منتقدان آن شیوه پاسخ گویند. حتی اگر مک کاولی درست بگوید، تصور نمی‌کنم هرگز شیوه‌ای در زبان‌شناسی بوده باشد که پیروان آن، آن قدر احساس ایمنی کرده باشند که منتقدان خود را نادیده انگارند. به‌ویژه، تقریباً نیمی از صفحات کتابهای چامسکی (به‌خصوص ۱۹۷۲ و ۱۹۷۵) به ردّ نظرها و پاسخ به منتقدان دستور زایشی اختصاص یافته است.

34. K. Percival

۳۵. انقلاب چامسکی از لحاظ دیگری با شرایط کون مطابقت نمی‌کند. از نظر کون (۵-۷۴)، انقلاب تاحدودی واکنشی نسبت به يك بحران است - به وضعیتی که در آن، در مورد «نوعی، يك نقص بنیادی در فعالیت عادی مسأله‌گشایی» وجود داشته باشد. ولی ساختگرایی پس از بلومفیلد، نه‌تنها با حالت بحرانی روبرو نبود، بلکه دوران خوشبینی بیسابقه‌ای را می‌گذراند که طی آن تصور می‌رفت، همهٔ مسائل بنیادی تحلیل زبانی حل شده است (نگاه کنید به نیومیر، ۱۹۸۰: ۳-۱). بنابراین، جای تعجب است که تعداد زیادی از مفسران، اعم از زایشی یا غیرزایشی، انقلاب چامسکی را نمونهٔ برداشت کون از انقلاب علمی دانسته‌اند (نگاه کنید به تورن (Thorne)، ۱۹۶۵: ۷۴؛ اسکالر (Sklar)، ۱۹۶۸: ۲۱۳؛ مک‌لای (Maclay)، ۱۹۷۱: ۱۶۳؛ سیرل ۱۹۷۲: ۱۶؛ کتز (Katz) و بیور (Bever)، ۱۹۷۶: ۱۱؛ کرنر، ۱۹۷۶: ۷۰۹).

باید اشاره کرد که پرسپوال در سراسر مقاله‌اش نسبت به کون موضعی انتقادی دارد و می‌کوشد از القای این اندیشه خودداری ورزد که صدق نکردن معیارهای کون در مورد زبان‌شناسی بایستی به این نتیجه‌گیری منجر

شود که گذار از زبانشناسی پیش از چامسکی به زبانشناسی پس از چامسکی نباید «انقلابی» تلقی گردد.

36. L. Laudan

37. *Principia*

38. *Opticks*

39. Givón

40. Prideaux

41. Moore

42. Carling

43. Hagège

44. Weydt

45. Collinder

۴۶. مخالفان چامسکی نوعاً در مورد سهولت پذیرفته شدن وی از سوی این رشته اغراق می کنند. موری می نویسد «در سال ۱۹۵۷ دو ناشر به چاپ [نسخه دستنویس ساخت منطقی نظریه زبانی]، اثر چامسکی تمایل داشتند» (۱۹۸۰: ۷۸)، و در این دوره چامسکی «فرصتهای زیادی برای جابجا شدن داشت. حدود سالهای ۸-۱۹۵۷ دانشگاه ایندیانا سعی کرد وی را جذب کند» (ص ۸۲). موری در تأیید این ادعاها شواهد مستندی ارائه نمی کند، و تا آنجا که بر من معلوم است چنین شواهدی هرگز وجود نداشته است.

۴۷. البته در انتصاب چامسکی به عنوان سخنران دو تضاد نقش مؤثری داشتند: اینکه هریس دعوتی را که از وی به عمل آمده بود رد کرد، و اینکه همایش در کمبریج، ماساچوست برگزار گردید (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به نیومیر، ۱۹۸۰: ۵۱).

۴۸. نگاه کنید به نیومیر (۱۹۸۰: ۸-۴۷) و موری، ۱۹۸۰. ولی هال (۱۹۸۱: ۱۸۲) تلویحاً می گوید که بلاک به چامسکی کمک نکرد.

49. Priestly

50. Kelvin

۵۱. کون در جای دیگری نویسد که «برخی» از دانشمندان نسبت به نظریه‌های قدیمی وفادارند (۱۹)، و اظهار می دارد که «تنها تعداد معدودی از شیمی‌دانهای مستر» (۱۳۴) نظریه شیمیایی دالتون را رد کردند. در بررسی مهم مقاومت دانشمندان تثبیت شده در برابر نظریه‌های جدید، که به وسیله باربر (Barber)، انجام گرفته است، نسبت به غلغله کردن در مورد عمومی بودن و اهمیت این مقاومت هشدار داده شده است. هایمز و فات (۴۸) خاطر نشان می کنند که اظهار نظر بسیاری از زبانشناسان عمده پیش از ساختگرایی، در مورد اثر کلاسیک ساختگرایی اولیه امریکایی، یعنی «زبان» نوشته بلومفیلد، کاملاً مساعد بوده است.

52. Sol Saporta

53. Robert Stockwell

54. C. F. Voegelin

55. Morphophonemics

۵۶. در کتاب خود (نیومیر، ۱۹۸۰)، تنها آخرین بند گفته وگلین را نقل کردم و کرنر، ۱۹۸۳ را منتهم کرد که به این ترتیب برداشت تحریف شده‌ای از منظور وگلین به دست داده‌ام. جمله کامل به وضوح نشان می دهد که وگلین کنار گذاشتن واج ساختگرایی را عملی انقلابی دانسته، گرچه در سراسر بررسی خود سعی داشته است موضعی انتقادی را نسبت به مطلوب بودن چنین عملی حفظ نماید. کرنر درست می گوید که به نظر وگلین گشتارها نتیجه طبیعی کارهای قبلی هریس بوده است؛ ولی با توجه به اینکه گفته وگلین متوجه بی آمدهای نظریه زایشی برای

واجشناسی بوده است و نه نحو، ملاحظه‌وی نامربوط است. در واقع وگلین لا اقل امکانات بالقوه انقلابی را در نحو زایشی نیز می‌دید و چنین اظهارنظری کرد (۲۳۰) که گشتارها ممکن است به يك «انقلاب کاخی» ، احتمالاً در تباین با انقلابهای میان رشته‌ای که دیوید بیدنی (David Bidney) در اثر خود به نام شش انقلاب کپرنیکی، طرح آن را ریخته است . . . منجر شود. منظور وگلین از «انقلاب کاخی» شورش در درون سنت ساختگرایمی بوده است. لازم به توضیح نیست که «انقلاب میان رشته‌ای» با نقد و بررسی اثر اسکینر توسط چامسکی در سال ۱۹۵۹ آغاز گردید.

۵۷. کرنر (۱۹۸۳: ۱۶۲) ادعا می‌کند که هاکت نه تنها انتشار ساختهای نحوی را یکی از چهار جهش زیان‌شناسی ندانسته است (موضوعی که در نقل قول فوق کاملاً روشن به نظر می‌رسد)، بلکه منظوری «بیشتر عکس آن» بوده است. تنها دلیل کرنر در تأیید چنین عقیده‌ای مبتنی بر نقل قول زیر از همان مقاله هاکت است (۱۹۶۵: ۱۹۶): «در حال حاضر، در دوره چیزی که به عقیده من چهارمین جهش عمده ما است زندگی می‌کنیم؛ بنابراین، دیدن تصویر کلی به خاطر وجود انبوه جزئیات دشوار است و برای اینکه چیزی کاملاً مبهم نگفته باشم لازم است قدری به ایجاز سخن بگویم. به جای ارائه فهرستی طولانی از نامها به خود اجازه می‌دهم که تنها از دوتن که درباره آنها اطمینان دارم نام ببرم، و از آنجا که این دو نام به ندرت به یکدیگر ارتباط داده شده است، با دقت تقریباً به فاصله يك جمله آنها را از یکدیگر جدا می‌کنم. منظور من از سویی نوآم چامسکی و از سوی دیگر سیدنی م. لم (Sydney M. Lamb) است. ترتیب نامها عمدی است؛ چامسکی بدون تردید عامل محرک اولیه است». حال، چرا کرنر احساس می‌کند که گفته بالا نمودار نظری «خلاف» آن است که در متن اصلی ذکر شد (و چرا این نظر و نه آن نظر دیگر را باید نماینده نظرهای واقعی هاکت بدانیم) هرگز روشن نمی‌شود.

58. Levin

59. Bach

60. H. Parret

61. Maher

۶۲. به نظر می‌رسد در اینکه این مسأله در هیچ کشور دیگری حتی مطرح نمی‌شود، جای بحث نباشد.
۶۳. پل چاپین (Paul chapin) مدیر برنامه زیان‌شناسی بنیاد علم، از ام. آی. تی. در رشته زیان‌شناسی درجه دکتری گرفته است. ولی هیئت استادان راهنمای وی در سال ۱۹۸۳، تنها شامل يك زایشی، یعنی سوزوموکونو (Susumo Kuno) بوده است (سایر اعضا عبارت بوده‌اند از ملیسا بائرن، مایکل کراوس، پیتز مک نیلیج (Peter Mc Neilage)، برایان مک وینی (Brian Mc Whinney) و گیلیان سنکاف (Gillian Sankoff). و کونو بیشتر به خاطر ارائه بدیل‌های نقش‌گرا برای اصول زایشی شهرت دارد تا به علت سهمش در دستور زایشی به معنای اخص.

64. Fox

65. Skolnick

۶۶. ضمن اینکه لباو ولد فوگد در کارهایشان مفاهیمی را از دستور زایشی اقتباس کرده‌اند، در عین حال، برخی از مفاهیم اصلی زایشی، به خصوص دوگانگی توانش/کنش را سخت مورد انتقاد قرار داده‌اند (نگاه کنید به لباو، ۱۹۷۲b؛ لدفوگد، ۱۹۸۵)، به هر حال، بخش ناچیزی از پژوهشهایی که آنان با دریافت کمک مالی انجام داده‌اند، به مسائل تحلیل دستوری اختصاص یافته است.
مرکز زیان‌شناسی کادبری، دریافت‌کننده عمده کمک هزینه مؤسسه‌ای است و در آنجا، در واقع، هیچ پژوهشی با سوی‌گیری زایشی انجام نمی‌شود.

67. Michael Brame

68. Joan Bresnan

69. Robert Fiengo

70. Oswald Jaeggli

71. Edward Keenan

۷۲. برای اطلاع از علت نبودن این افراد به انجمن زبانشناسی امریکا، با فرد فرد ایشان تماس نگرفته‌ام.

73. Gross

74. Schiffman

75. J. Jaeger

76. Van Valin

۷۷. میل ندارم این تصور را القاء کنم که ویلیام برایت سردبیر مجلهٔ زبان در رسیدگی به مقاله‌های ارائه شده به‌طور وسواس آمیزی منصف نیست. بنابر تجربهٔ شخصی میدانم که وی نمونهٔ بی‌فرضی است.

۷۸. گرچه کرنر (۱۹۸۳: ۱۶۵) در نوشتن این نکته که من «به تدریس تاریخ زبانشناسی در مؤسسهٔ زبانشناسی، که در تابستان ۱۹۸۳ در دانشگاه کالیفرنیا (لوس آنجلس) برگزار می‌شد، گمارده شدم»، متأسفانه اشتباه می‌کند.

۷۹. جامسکی احساس می‌کند که «اگر آن نوع زبانشناسی که [وی] به آن توجه دارد در ایالات متحده باقی بماند، به احتمال زیاد بیشتر در [دوره‌های علم شناخت] باقی می‌ماند تا در بخشهای زبانشناسی» (۱۹۸۲: ۱۹۸۲). تأکید از نویسندهٔ مقاله است.

80. Pragmatics



AKHMANOVA, OLGA, and F. M. BEREZIN. 1980 (eds.) Transformacionno-generativnaja grammatika v svete sovremennoj naučnoj kritiki: Referativnyj sbornik. Moscow: INION.

ANTILA, RAIMO. 1975. Revelation as linguistic revolution. The First LACUS Forum, ed. by Adam Makkai & Valerie Makkai, 171–6. Columbia, SC: Hornbeam.

BACH, EMMON. 1965. Structural linguistics and the philosophy of science. Diogenes 51.111–28.

BAR-HILLEL, YEHOSHUA. 1962. Some recent results in theoretical linguistics. Logic, methodology, and the philosophy of science, ed. by Ernest Nagel et al., 551–7. Stanford: University Press.

BARBER, BERNARD. 1962. Resistance by scientists to scientific discovery. Sociology of science, ed. by B. Barber & W. Hirsch, 539–56. New York: Free Press.

BLOOMFIELD, LEONARD. 1933. Language. New York: Holt.

CARROLL, JOHN B. 1953. The study of language. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- CHOMSKY, NOAM. 1957. *Syntactic structures*. The Hague: Mouton.
- . 1959. Review of Skinner 1957. *Lg.* 35.26–57.
- . 1962. *Explanatory models in linguistics. Logic, methodology, and the philosophy of science*, ed. by Ernest Nagel et al., 528–50. Stanford: University Press.
- . 1965. *Aspects of the theory of syntax*. Cambridge, MA: MIT Press.
- . 1972. *Studies on semantics in generative grammar*. The Hague: Mouton.
- . 1975. *Reflections on language*. New York: Pantheon.
- . 1979. *Morphophonemics of Modern Hebrew*. New York: Garland.
- . 1981. *Lectures on government and binding*. Dordrecht: Foris.
- . 1982. *The generative enterprise*. Dordrecht: Foris.
- COLLINDER, BJÖRN. Noam Chomsky und die generative Grammatik: Eine kritische Betrachtung. Uppsala: Almqvist & Wiksell.
- DE GEORGE, RICHARD, and FERNANDE DE GEORGE. 1972 (eds.) *The structuralists: From Marx to Lévi-Strauss*. Garden City, NY: Doubleday.
- FOX, MELVIN J., and BETTY P. SKOLNICK. 1975. *Language in education: Problems and prospects in research and teaching*. New York: Ford Foundation.
- GAZDAR, GERALD. 1981. *Phrase structure grammar. The nature of syntactic representation*, ed. by Pauline Jacobson & Geoffrey Pullum, 131–86. Dordrecht: Reidel.
- GIVÓN, TALMY. 1979. *On understanding grammar*. New York: Academic Press.
- GODEL, ROBERT. 1957. *Les sources manuscrites du Cours de linguistique générale de F. de Saussure*. Paris: Minard.
- GRAY, BENNISON. 1976. Counter-revolution in the hierarchy. *Forum Linguisticum* 1.38–50.
- GREENE, JUDITH. 1972. *Psycholinguistics: Chomsky and psychology*. Harmondsworth: Penguin.
- GROSS, MAURICE. 1979. On the failure of generative grammar. *Lg.* 55.859–85.
- HAGÈGE, CLAUDE. 1976. *La grammaire générative: Réflexions critiques*. Paris: Presses Universitaires de France.
- HALL, ROBERT A., JR., 1969. Some recent developments in American linguistics. *Neu-philologische Mitteilungen* 70.192–227.
- . 1981. Review of Newmeyer 1980. *Forum Linguisticum* 6.177–83.
- HARRIS, ZELIG. 1954. Transfer grammar. *IJAL* 20.259–70.
- . 1957. Co-occurrence and transformation in linguistic structure. *Lg.* 33.283–340.
- HILL, ARCHIBALD. 1980. How many revolutions can a linguist live through? First person singular: Papers from the Conference on an Oral Archive for the History of American Linguistics, ed. by Boyd Davis & Raymond O’Cain, 69–76. Amsterdam: Benjamins.
- HOCKETT, CHARLES. 1952. Review of *Travaux du Cercle Linguistique de Copenhague, V: Recherches structurales*. *IJAL* 18.86–9.
- . 1954. Two models of grammatical description. *Word* 10.210–31.
- . 1965. Sound change. *Lg.* 41.185–204.
- . 1966. *Language, mathematics, and linguistics*. The Hague: Mouton. [Also published in *Current trends in linguistics, III: Theoretical foundations*, ed. by Thomas Sebeok, 155–304. The Hague: Mouton, 1968.]
- . 1968. *The state of the art*. The Hague: Mouton.
- HYMES, DELL. 1964. Directions in (ethno-)linguistic theory. *Transcultural studies in cognition (American Anthropologist* 66:3, part 2), ed. by A. Kimball Romney & Roy G. D’Andrade, 6–56. Washington, DC: American Anthropological Association.

- , and JOHN FOUGHT. 1981. *American structuralism*. The Hague: Mouton.
- JAEGER, JERI, and ROBERT VAN VALIN. 1982. Review of Prideaux et al. *Lg.* 58.233–7.
- JOOS, MARTIN. 1961. Linguistic prospects in the United States. *Trends in European and American linguistics, 1930–1960*, ed. by Christine Mohrman et al., 11–20. Utrecht: Spectrum.
- KATZ, JERROLD, and THOMAS BEVER. 1976. The fall and rise of empiricism. An integrated theory of linguistic ability, ed. by Thomas Bever et al., 11–64. New York: Crowell.
- KOERNER, E. F. KONRAD. 1976. Toward a historiography of linguistics: 19th and 20th century paradigms. *History of linguistic thought and contemporary linguistics*, ed. by Herman Parret, 685–718. Berlin: de Gruyter. [Reprinted in *Toward a historiography of linguistics*, ed. by E. F. K. Koerner, 21–54. Amsterdam: Benjamins, 1978. An earlier version appeared in *Anthropological Linguistics* 14:255–80, 1972.]
- . 1983. The 'Chomskyan revolution' and its historiography: A few critical remarks. *Language and Communication* 3.147–69.
- . 1984. Remarques critiques sur la linguistique américaine et son historiographie. *Linguisticae Investigationes* 8.87–103.
- KOSTER, JAN. 1978. *Locality principles in syntax*. Dordrecht: Foris.
- KUHN, THOMAS S. 1970. *The structure of scientific revolutions*. 2nd edn. Chicago: University of Chicago Press.
- LABOV, WILLIAM. 1972a. *Sociolinguistic patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- . 1972b. Some principles of linguistic methodology. *Language in Society* 1.97–120.
- LADEFOGED, PETER. 1985. Redefining the scope of phonology. To appear in a festschrift for Robert Stockwell, ed. by Caroline Duncan-Rose et al.
- LAKOFF, GEORGE. 1971. On generative semantics. *Semantics: An interdisciplinary reader*, ed. by Danny Steinberg & Leon Jakobovits, 232–96. Cambridge: University Press.
- . 1973. Fuzzy grammar and the performance/competence terminology game. *CLS* 8.183–228.
- . 1974. Interview. *Discussing language*, ed. by Herman Parret, 151–78. The Hague: Mouton.
- LANE, MICHAEL. 1970. *Introduction to structuralism*. New York: Basic Books.
- LANGACKER, RONALD W. 1982. Space grammar, analysability, and the English passive. *Lg.* 58.22–80.
- LAUDAN, LARRY. 1977. *Progress and its problems*. Berkeley & Los Angeles: University of California Press.
- LEVIN, SAMUEL R. 1965. *Langue and parole in American linguistics*. *Foundations of Language* 1.83–94.
- LONGACRE, ROBERT E. 1979. Why we need a vertical revolution in linguistics. *The Fifth LACUS Forum*, ed. by Wolfgang Wölck & Paul Garvin, 247–70. Columbia, SC: Hornbeam.
- MCCAWLEY, JAMES. 1970. Where do noun phrases come from? *Readings in English transformational grammar*, ed. by Roderick Jacobs & Peter Rosenbaum, 166–83. Waltham, MA: Ginn.
- . 1985. Kuhnian paradigms as markedness conventions. *Festschrift for Rulon Wells*, to appear.
- MACLAY, HOWARD. 1971. *Linguistics: Overview*. *Semantics: An interdisciplinary reader*, ed. by Danny Steinberg & Leon Jakobovits, 157–82. Cambridge: University Press.
- MAHER, J. PETER. 1980. *The transformational-generative paradigm: A silver anniversary*

- polemic. *Forum Linguisticum* 5.1-35.
- MARTINET, ANDRÉ. 1960. *Éléments de linguistique générale*. Paris: Armand Colin.
- MILLER, GEORGE A.; E. GALANTER; and K. PRIBRAM. 1960. *Plans and the structure of behavior*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- MOORE, TERENCE, and CHRISTINE CARLING. 1982. *Language understanding: Toward a post-Chomskyan linguistics*. New York: St. Martin's Press.
- MURRAY, STEPHEN O. 1980. Gatekeepers and the 'Chomskyan revolution'. *Journal of the History of the Behavioral Sciences* 16.73-88.
- . 1983. *Group formation in social science*. Edmonton: Linguistic Research.
- NEUMEYER, FREDERICK J. 1980. *Linguistic theory in America: The first quarter century of transformational generative grammar*. New York: Academic Press.
- . 1985. *The politics of linguistics*. New York: Pantheon.
- , and JOSEPH EMONDS. 1971. The linguist in American society. *CLS* 7.285-306.
- OSGOOD, CHARLES, and THOMAS A. SEBEOK. 1954. (eds.) *Psycholinguistics*. Baltimore: Indiana University Press.
- PARRET, HERMAN. 1974 (ed.) *Discussing language*. The Hague: Mouton.
- PERCIVAL, W. KEITH. 1976. The applicability of Kuhn's paradigm to the history of linguistics. *Lg.* 52.285-94.
- PRIDEAUX, GARY D.; B. DERWING; and W. BAKER. 1980 (eds.) *Experimental linguistics*. Ghent: Story-Scientia.
- PUTNAM, HILARY. 1961. Some issues in the theory of grammar. *Structure of language and its mathematical aspects (Proceedings of Symposia in Applied Mathematics, 12)*, 25-42. Providence: American Mathematical Society.
- ROBINS, ROBERT H. 1971. Malinowski, Firth, and context of situation. *Social anthropology and language*, ed. by Edwin Ardener, 33-46. London: Tavistock.
- ROBINSON, IAN. 1975. *The new grammarian's funeral: A critique of Noam Chomsky's linguistics*. Cambridge: University Press.
- SAMPSON, GEOFFREY. 1980. *Schools of linguistics*. Stanford: University Press.
- SAUSSURE, FERDINAND DE. 1966. *Course in general linguistics*. New York: McGraw-Hill. [Translation of *Cours de linguistique générale*. Paris: Payot, 1916.]
- SCHEFFLER, ISRAEL. 1963. *The anatomy of inquiry*. New York: Knopf.
- SCHIFFMAN, HAROLD F. 1982. Review of *Language and linguistic area*, by Murray B. Emeneau. *Lg.* 58.185-93.
- SEARLE, JOHN. 1972. Chomsky's revolution in linguistics. *New York Review of Books*, June 29, pp. 16-24. [Reprinted in *On Noam Chomsky: Critical essays*, ed. by Gilbert Harman, 2-33. Garden City, NY: Anchor Books, 1974.]
- SEBEOK, THOMAS A. 1969. Foreword to *A Geneva School reader in linguistics*, ed. by Robert Godel, vii-viii. Bloomington: Indiana University Press.
- SKINNER, B. F. 1957. *Verbal behavior*. New York: Appleton-Century-Crofts.
- SKLAR, ROBERT. 1968. Chomsky's revolution in linguistics. *The Nation*, September 9, pp. 213-17.
- THORNE, JAMES P. 1965. Review of *Constituent structure*, by Paul Postal. *Journal of Linguistics* 1.73-6.
- UHLENBECK, E. M. 1975. *Critical comments on transformational generative grammar, 1962-1972*. The Hague: Smits.
- VOEGELIN, C. F. 1958. Review of Chomsky 1957. *IJAL* 24.229-31.
- WEYDT, HARALD. 1976. *Noam Chomskys Werk: Kritik, Kommentar, Bibliographie*. Tübingen: Narr.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی